نکاتی برای مدیریت فضای سیاسی در یک سال آینده

دوقطبی‌های حقیقی و کاذب

■ حجت‌الاسلام حمید مشهدی‌آقایی ■

بخش اول: توصیف و چیستی

«دوقطبی‌سازی» این روزها به واژه‌ای پرکاربرد تبدیل شده و در ادبیات سیاسی کشور و در سطوح مختلف نخبگان و رسانه‌ها از آن بسیار استفاده می‌شود. این کار بیشتر به عملیات روانی «بمباران واژه‌ها» و در مواردی «بازی واژه‌سازی» شباهت دارد. «دوقطبی‌سازی» چنان که از نامش پیداست «ساختن» و «تصنع» است، ساختن چیزی که «بود»ی ندارد و تلاش می‌شود که «نمود»ی به آن داده شود.

«دوقطبی‌سازی» که زمانی از جمله تکنیک‌های دشمن بود، اینک به یک راهبرد همیشگی تبدیل شده است. دامی است که خصم بر سر راه ما گسترده و شکار فکر و اندیشه و محاسبات و رفتارهای‌مان را به کمین نشسته است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی سالیان گذشته، بویژه ۳-۲ سال اخیر، بارها و بارها مسؤولان و نخبگان و مردم را از درافتادن به این ورطه پرهیز داده‌اند و با تعبیر «دوقطبی‌های کاذب»، «دوقطبی‌های دروغین» و «سوغات بیگانه» از آن یاد کرده‌اند.

اگرچه «دوقطبی‌های دروغین» نمایش ساختگی «نبود»هاست اما «دوقطبی‌های حقیقی» و راستین، وجود دارد و باید کشف شده و بدرستی و بهنگام برای بصیرت همگان رونمایی شود. آنچه از دوقطبی‌ها در زندگی بشر بوده و هست، همین دوقطبی‌های حقیقی است که در فرهنگ قرآن و معارف آسمانی به زیبایی و روشنی از آن یاد شده است. «نور و ظلمت»، «هدایت و ضلالت»، «حق و باطل»، «صدق و کذب»، «عدل و ظلم»، «عزت و ذلت»، «صلاح و فساد»، «اسلام و کفر»، «ایمان و نفاق»، «تقوا و فجور»، «رشد و غی»، «معروف و منکر» و... از جمله دوقطبی‌هایی هستند که هم بود دارند و هم نمود و در واقع همه آنها در دوقطبی حقیقی «حق و باطل» جمع می‌شوند.

انقلاب اسلامی ایران نوری بود که دل ظلمت را شکافت و به برکت ذات نورانی و بنای آن بر اندیشه تابناک امام راحل و خون پاک شهیدان واصل، جلوه‌گاه زیبای تقابل دوقطبی‌های حقیقی شد و بر قرن‌ها تلاش شوم استکبار برای درآمیختگی و درهم‌ریختگی مرزهای حق و باطل، خط بطلان کشید. با وقوع انقلاب اسلامی، واژگان جدیدی که برخاسته از متن اسلام بود، وارد ادبیات سیاسی جهان شد؛ «مستضعفین - مستکبرین»، «اسلام ناب محمدی - اسلام آمریکایی» و «انقلاب اسلامی - استکبار جهانی».

پیروزی انقلاب اسلامی و تاسیس نظام اسلامی و حرکت آن به سمت و سوی دولت اسلامی و جامعه اسلامی، به مقصد تمدن نوین اسلامی، دشمن را بشدت به هراس و واکنش واداشت. این واکنش‌ها در ابتدا ناشیانه، کور و بی‌هدف بود اما بتدریج دشمن با استفاده از نقاط ضعف جبهه انقلاب اسلامی که عموماً از ضعف در «نیروسازی»، «برنامه‌سازی»، «گفتمان‌سازی» و «جریان‌سازی» نشأت می‌گرفت، دست به کار شد و «جنگ نرم» را راهبرد کلان خود قرار داد.

«دوقطبی‌سازی» یکی از آن راهبردها بود، که به اقتضای شرایط و زمان، در دستور کار قرار گرفت و اینک چند سالی است که به عنوان یک حربه مهم در جنگ نرم به‌کار گرفته شده است.

نسل اولی‌ها و نسل دومی‌ها با این تعابیر بخوبی آشنایند: «تعهد و تخصص»، «مکتبی و متخصص»، «تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی»، «چپ و راست»، و.... این دوقطبی‌سازی‌های کاذب تا بدانجا پیش رفت که عده‌ای به ابداع دوقطبی‌های عجیب و غریب دست زدند؛ «چپ سنتی و راست سنتی»، «چپ مدرن و نیمه‌مدرن» و «راست مدرن و نیمه‌مدرن».

بعدها دوقطبی‌های ساختگی دیگری به میدان آمد که نسل سوم و چهارم هم کم و بیش با آن آشنایی دارند: «مدیریت فقهی و مدیریت علمی»، «دوم خردادی و غیر دوم خردادی»، «اصلاح‌طلب و اصولگرا»، «آرمانگرایان و واقع‌گرایان»، «توسعه ملی و استقلال‌طلبی»، «اسلام رحمانی و اسلام خشونت‌گرا»! و «اعتدالیون و افراطیون».

و اخیراً شکل مبتذل و خنده‌دار آن که پس از انتخابات مجلس دهم توسط یکی از همین واژه‌سازان مطرح شد و نمایندگان مردم را به ۲ بخش تقسیم کرد: «تندرو و میانه‌رو» و «برجامیان و نابرجامیان».

این واژه‌سازی رنگارنگ و واژه‌بازی‌های فریبنده، انسان را به یاد آیه ۲۳ از سوره مبارکه نجم می‌اندازد که بت‌پرستان را که به تقلید از پدران‌شان، به نامگذاری بت‌های دست‌ساخته‌شان می‌پرداختند و به آن دل خوش کرده و فخر می‌فروختند، سرزنش می‌کند: «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى؛ [این بتان] جز نام‌هایی بیش نیستند که شما و پدران‌تان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواه‌شان است پیروی نمی‌کنند، با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برای‌شان آمده است».

بخش دوم: تبیین و چرایی دوقطبی‌سازی‌های کاذب

آوردیم که دوقطبی‌سازی اکنون به راهبرد همیشگی تبدیل شده است و دشمن از آن، اهداف و اغراض شومی را در درازمدت و کوتاه‌مدت در نظر دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- ادراک‌سازی در خواص، نخبگان و مسؤولان برای تغییر محاسبات و رفتارها در مواجهه با دشمن
- ایجاد و تشدید اختلاف و دودستگی بین مردم و حاکمیت، مردم با مردم و نخبگان با نخبگان با هدف تولید فتنه‌های جدید
- اصلی و فرعی کردن مسائل و مه‌آلود کردن فضای جامعه به منظور به اشتباه افکندن مردم در اتخاذ مواضع بصیرانه
- خدشه وارد کردن در انسجام ملی و عزم ملی به منظور جلوگیری از توجه ملی و عمومی به پیشرفت همه‌جانبه کشور
- تحریف شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و خط امام و رهبری
- رواج فرهنگ و ادبیات سیاسی وارداتی بیگانه و تثبیت آن در فکر و ذهن مردم و نخبگان و کمرنگ کردن ادبیات انقلابی
- فرافکنی و فضاسازی‌های کاذب به قصد مستور کردن ناکارآمدی برنامه‌ای و مدیریتی حامیان سازش با استکبار در داخل کشور
- جوسازی‌های کاذب برای القای حاکمیت دوگانه در ایران

این جریان با یک مهندسی شیطانی، با طراحی و ایده‌پردازی خارجی و تکرار و ارائه آن توسط عناصر داخلی، درصدد است در یک هدف‌گیری کلان و در ادامه سیاست شوم «تفرقه بینداز و حکومت کن»، «جایگاه الهام‌بخش و الگویی و تمدن‌ساز» انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را تضعیف کرده و با مشغول‌سازی عناصر اصلی جامعه اسلامی، مسیر استحاله و فروپاشی نظام اسلامی را با بهره‌گیری از این راهبرد و دیگر راهبردهای شیطانی‌اش تسریع کند.

بی‌تردید مقابله با دوقطبی‌سازی دشمن از وظایف و ماموریت‌های نیروهای انقلابی و مواجهه هوشمندانه با آن است. شناخت ویژگی‌ها و شاخص‌های دوقطبی‌های حقیقی و کاذب، از نخستین و مهم‌ترین گام‌ها در این راه است.

بخش سوم: گامی در راه چگونگی مواجهه با دوقطبی‌سازی

دوقطبی‌های حقیقی- با توصیفی که از آن کردیم- دارای این ویژگی‌ها هستند:

- «معرفت‌بنیاد» هستند و برخاسته از آموزه‌های اصیل و ناب اسلامی هستند.
- به دلیل همین ابتنای به معارف دینی، درونی و جوششی و منطبق بر فطرت انسانند.
- برخوردار از جامعیتند و ساحت‌های مختلف زندگی و جامعه را دربرمی‌گیرند.
- بر مبنای آگاهی و آزادی، انتخاب می‌شوند و در فضای اجبار و اضطرار و غوغاسالاری بر انسان تحمیل نمی‌شوند.
- دارای ۲ جنبه اثبات و نفی هستند و از این‌رو غیرقابل جمعند.
- با این حساب، گزاره‌های «هم حق، هم باطل» غلط هستند. کما اینکه «نه حق، نه باطل»! هم نادرست است. تنها گزاره صحیح، «یا حق، یا باطل» است.
- ثابت و بادوام و تغییرناپذیرند و با شرایط زمان و اقتضائات تغییر نمی‌یابند.
- تعالی‌بخش، کمال‌آفرین، وحدت‌زا و انسجام‌دهنده و طراوت‌افزای جامعه و پیش‌برنده‌اند.
- شورآفرین و حماسه‌ساز و تربیت‌کننده در مسیر نیل به آرمان‌های برتر هستند.
- تمایزبخش و فارق بین مرزهای حق و باطلند و از درهم‌آمیختگی مرزهای اندیشه و رفتار فرد و جامعه جلوگیری می‌کنند.
- به علت ابتنای بر درون و درون‌زا بودن، صیانت بخش حرکت و دلالت بخش رهروان هستند.
- بازی در زمین خودی و حرکت در مسیر اصیل و روشن حق است.

دوقطبی‌های کاذب- با توصیفی که آمد- دارای ویژگی‌های مخالف و متضاد با دوقطبی‌های حقیقی است که برخی از آنها عبارتند از:

- عقبه معرفتی و ریشه علمی ندارند و برخاسته از آموزه‌های قویم عقلی و دینی نیستند.
- «هوس بنیاد»اند و سوغات اندیشه و ادبیات غرب و غربزدگان و ساخت و پرداخت دست، فکر و تخیل ایشان هستند.
- تک‌ماهیتی و تک‌بعدی و نابرخوردار از جامعیتند و ابعاد مختلف را در بر نمی‌گیرند.
- در شرایط فتنه‌گون «شبهه‌ها» و «غفلت‌ها» رشد یافته و با ابهام‌زدایی، قدرت و اراده و اختیار انتخاب را گرفته و خود را بر فرد و جامعه تحمیل می‌کنند.
- دوقطبی‌های کاذب معمولاً قابل جمعند، این واژه‌پردازان هستند که آنها را غیرقابل جمع می‌نمایانند، اگرنه؛ «تعهد و تخصص»، «مدیریت فقهی و علمی»، «آرمان‌خواهی و واقع‌بینی» و... قابل جمعند و اتفاقاً مکمل و متمم هم هستند.
- مقطعی، زودگذر و گذرا هستند و به اقتضای شرایط می‌آیند و می‌روند و جای خود را به دوگانه مصنوعی دیگر می‌دهند!
- دوقطبی‌های کاذب، کاهنده، التهاب‌زا، اختلاف‌آفرین، خسته‌کننده، طاقت‌سوز، تحیرآفرین و گیج‌کننده هستند و شور و حماسه تعالی‌بخش و پیشرفت‌دهنده را به فتنه و آشوب و تفرقه تبدیل کرده و جامعه را از پیشرفت و بالندگی باز داشته و موضع فعال و مؤثر جامعه و مسؤولان را به منفعل و خنثی و مضر تبدیل می‌کنند.
- بازی در زمین دشمنند و حرکت در کژراهه‌ها و اعوجاج و انحراف و سقوط.

شرح و تفصیل ویژگی‌های دوقطبی‌های کاذب و حقیقی، به درازا می‌کشد و فرصتی جداگانه را با استناد به رهنمودهای امام راحل و رهبر حکیم انقلاب اسلامی می‌طلبد. همچنین استشهاد به اسناد و مدارک و سخنان دشمن و پیاده‌نظام آگاه و ناآگاه خصم، این کار ناقص را تکمیل خواهد کرد.

فقط می‌ماند یک نکته مهم؛ طرح هوشمندانه دوگانه «جریان انقلابی و غیرانقلابی» توسط رهبر حکیم و بصیر انقلاب اسلامی در شرایط کنونی، گشودن عرصه جدید و تعریف میدان عمل تازه برای ارتقای جایگاه الگوساز و تمدن‌ساز انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به منظور تحقق پیشرفت و عدالت و تمدن نوین اسلامی است.

دوقطبی «جریان انقلابی و غیرانقلابی» تجلی عینی و روزآمد دوقطبی‌های حقیقی پیشگفته است و همه شاخص‌های این دوقطبی را با خود دارد و به‌درستی و روشنی ذیل دوقطبی «حق و باطل» تعریف‌شدنی است.

این دوقطبی حقیقی، واژه‌سازی‌ها و واژه‌بازی‌های کنونی را که سوغات فرهنگ و اندیشه بیگانه و مصداق «بت‌پرستی مدرن» است، کنار زده و سطح تعاملات و مواجهات جبهه انقلاب اسلامی و مردم و نخبگان انقلابی را از ورطه بازی‌های کهنه و خسته‌کننده سیاسی، به میدان عمل انقلابی و مدیریت جهادی می‌کشاند.

جشنواره فشن‌ها نزدیک است

حسن روانشید: نمایشگاهی برگزار می‌کنیم که در حقیقت جشنواره است و به روایتی می‌توان آن را بازار مکاره نامید! در حواشی مختلف این بازار، بساط کافی‌شاپ‌ها یا همان قهوه‌خانه‌های مدرن را برپا کرده‌اند که در کنار آن بوی روغن‌سوخته فلافل به مشام می‌خورد و چشم‌ها را می‌سوزاند! تا درِ ورودی که اگر آن را از پارکینگ یا ایستگاه مترو، اتوبوس و تاکسی حساب کنیم، یک کیلومتری می‌شود. بساط‌اندازان حرفه‌ای همه چیز عرضه می‌کنند و معلوم نیست در محوطه این نهاد مذهبی- فرهنگی، مجوز کارشان را از کجا دریافت داشته‌اند؟ اکثر کسانی که به اینجا می‌آیند برای وقت‌گذرانی است زیرا خط یک مترو در این محل ایستگاه دارد، بنابراین ایاب‌وذهاب را آسان می‌کند. فلاکس‌های بزرگ چای در گوشه و کنار محوطه درحالی‌که لیوان‌های یک‌بارمصرف در اطراف آن پراکنده شده و زیر پای رهگذران چرق‌چرق می‌کند به چشم می‌خورد اما برای رسیدن به وضوخانه و شیرهای آب سرد یا همان آب‌سردکن‌ها باید راه درازی را طی کرد. چهارگوشه سالن بزرگ به‌وسیله دیوارهای متحرک چوبی به محوطه‌های کوچک‌تری تبدیل شده که درون آن میز و صندلی غذاخوری چیده شده که پیداست رستوران‌های جشنواره یا بهتر است بگوییم شکم‌سرا و از همه بهتر بازار مکاره است! تنها راه ارتباط مراجعه‌کننده با این شهر درهم(!) کیوسک اطلاعات ورودی است که ۲ خانم پشت میز کامپیوترها نشسته‌اند درحالی‌که هرکدام یک میکروفن و یک دستگاه تلفن در کنارشان خودنمایی می‌کند که در پاسخ به سؤال مراجعه‌کنندگان پیرامون آدرس غرفه یک روزنامه، جوابشان را با تأکید به کلمه فکر می‌کنم ارائه می‌دهند! و از این به بعد غرفه‌های کوچک و بزرگ و عریض است که تعدادی خانم و آقا در آنها در حال تردددند و در مقابل این غرفه‌ها مرد و زن، کوچک و بزرگ از سر و کول هم بالا می‌روند تا اشانتیون دریافت کنند! سالن‌های روباز کوچکی با ظرفیت‌های ۲۰ تا ۵۰ نفر در اطراف محوطه اصلی به چشم می‌خورد که عده‌ای در آن نشسته و یک سخنران بدون میکروفن و بلندگو هم برای آنها صحبت می‌کند اما سروصدای حاضران در این بازار بزرگ به‌قدری زیاد است که به نظر می‌رسد حاضران در این سالن‌های کوچک که تعدادشان هم محدود است تنها با لب‌خوانی متوجه حرف‌های سخنران می‌شوند! بازدیدکنندگان نایلون به دست، گوشه به گوشه سالن بزرگ را که آمار غرفه‌های آن عدد ۱۰۰ را هم پشت سر گذاشته، جست‌وجو می‌کنند تا اشانتیون‌دهندگان را پیدا کرده و تعداد نایلون‌های پرمحتوای خود را از انواع نشریات متعدد افزون کنند. کسانی که سال تا سال نیم‌نگاهی به میز دکه‌های روزنامه‌فروشی شهر نمی‌اندازند که حداقل تیترها را بخوانند یا اسم و مشخصات نشریات کشورشان را بدانند اما ای‌کاش آنهایی که نمی‌دانند پرتیراژترین روزنامه جهان در کجا منتشر می‌شود درحالی‌که صاحب پیشرفته‌ترین گوشی‌های اندروید دنیا هستند و به همه اطلاعات آنلاین و شبکه‌های اجتماعی دسترسی کامل دارند، بدانند روزنامه آساهی با تیراژ ۲۰ میلیون نسخه در روز و در کشور ژاپن منتشر می‌شود درحالی‌که آمار چاپ همه نشریات ایران در روز به مرز ۲/۵ میلیون نسخه هم نمی‌رسد!

این مقدمه یادداشت رؤیای صادقه‌ای بود که در بیست‌ویکمین فستیوال مطبوعات ایران در آبان‌ماه ۹۴ و در مصلای تهران اتفاق افتاد و اولین جلسه ستاد برگزاری بیست‌ودومین نمایشگاه نیز روز چهارشنبه ششم مرداد ۹۵ با حضور معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. فرصت کمی باقی است تا از بانیان آن خواسته شود اگر قرار است امسال نیز چنین جشنواره‌ای برای بازدیدکنندگان حلاوت و تازگی داشته باشد، پیشنهاد می‌کنیم این مراسم باشکوه در شهر زیبای اصفهان برگزار شود؛ در اردوگاه کشوری شهید بهشتی که دارای امکانات بالفعل و بالقوه فراوان اسکان برای ۲ هزار نفر، شامل مسجد، نمازخانه‌های مجهز با فضاهای وسیع و باصفا، سالن‌های متعدد، آشپزخانه مرکزی، سلف‌سرویس‌های مجهز و مدرن، امکانات ورزشی چندمنظوره، زمین فوتبال، استخرهای روباز و سرپوشیده، شبکه مخابراتی گسترده، دسترسی به ایستگاه راه‌آهن، ۴ ترمینال اتوبوسرانی برون‌شهری، فرودگاه بین‌المللی و یک اقامتگاه مجهز همراه با محوطه زیبا، سالن غذاخوری و امکانات اقامتی برای خانواده محترم مدیران نمایشگاه در ۵ کیلومتری اردوگاه و در بهترین و باصفاترین نقطه کلانشهر اصفهان است که هر دو این مجموعه عظیم دارای پارکینگ‌های متعدد انحصاری است. شهر تاریخی و توریستی اصفهان می‌تواند همچون فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، بهترین امکانات را برای نمایشگاه مطبوعات فراهم کرده تا مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بتوانند از میهمانان خارجی نیز برای شرکت در این جشنواره دعوت کنند که در حاشیه بازدید از نمایشگاه مطبوعات، دیدنی‌های این شهر تاریخی و صنایع‌دستی اصفهان را هم چاشنی سفر خود کنند و با هدف این تمرکززدایی، چند روزی به تهران فرصت نفس کشیدن بدهند. حضور در این مجموعه بزرگ و مجهز که به دلیل فعال بودن آمادگی دارد بدون هیچ‌گونه دغدغه خاطری، این برنامه فرهنگی مهم را برگزار کند و خوشبختانه متعلق به حوزه ستادی وزارت آموزش‌وپرورش است که با رایزنی وزرای محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش‌وپرورش قادر است بار هزینه آن را نیز از دوش اصحاب جراید از نظر اجاره غرفه و محل اسکان بردارد، امتیاز دیگر این پیشنهاد است. ضمناً حضور خانواده مدیران جراید از تهران و شهرستان‌های دیگر در کنار هم و در یک مجموعه فرهنگی، علاقه و انگیزه شرکت را در آنها افزون کرده و روند نمایشگاه را از بعد وظیفه و تکلیف به‌سوی محتوا سوق خواهد داد. متأسفانه در جشنواره بیست‌ویکم که اکثر غرفه‌های آن توسط فشن‌های جوان و ایده‌آل! اداره و فروش و عرضه محصولات فرهنگی و مجلات بسته‌بندی‌شده بیشتر از نمایش محتویات رواج داشت، نمی‌توانست بازدیدکنندگان خاص را اغنا کند، بنابراین بازدیدکنندگان به‌جای اینکه وقت کاملی برای بازدید بگذارند با دوردوری سریع مجموعه را ترک می‌کردند. دست‌اندرکاران مطبوعات در اصفهان آمادگی دارند در صورت موافقت و پیگیری وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که به دنبال ایده‌های تازه هستند، نهایت مساعدت و همکاری را در برگزاری آن انجام دهند اما اگر به هر دلیل انجام این پیشنهاد میسر واقع نشد، مدیران جراید کشور از مسؤولان مربوط تقاضا دارند محل اسکان و استراحت اداره‌کنندگان غرفه‌های شهرستانی را در اردوگاه شهید باهنر وزارت آموزش‌وپرورش در منطقه نیاوران تهران فراهم و سرویس ایاب‌وذهاب این گروه را مهیا کند تا علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه بتوانند وقت بیشتری را برای نمایشگاه و خدمت در آن اختصاص دهند.

اشاره

نامه دختر انقلابی رضاشاه به امام(ره)

چند روز پس از عید ۵۸ روزنامه‌ها در صفحات میانی خود نامه‌ای از دختر انقلابی رضاخان خطاب به امام خمینی(ره) منتشر کردند که پس از سال‌ها در لابه‌لای مطالب خواندنی این روزنامه‌ها جلب توجه می‌کند. در نامه صدیقه که روزنامه اطلاعات متن آن را منتشر کرده، آمده است: «اینجانب صدیقه دختر رضاخان (رضاشاه سابق) و زهرا سوادکوهی می‌باشم که با انگیزه تلفن مورخه سه‌شنبه اول اسفند ۵۷ خانمی که خود را از کمیته آن امام به من معرفی کرد و گویا من بی‌نام و نشان را که از مردم طبقه سوم اجتماع نیز محروم‌ترم با شاهزاده‌خانم‌های معروف پهلوی اشتباه گرفتند و به کمیته احضارم کردند. لذا مصدع اوقات گرانبهای شما شدم در حالی که اکنون مجال رسیدگی به این امور نیست». در ادامه این نامه آمده است: «اینجانب بنا به وظیفه شرعی خود در روز ششم تشریف فرمایی آن حضرت موفق به زیارت شدم ولی حال که احضار گردیدم چه بهتر که این سعادت از نزدیک دست دهد تا جریان ۲۰ سال مبارزه حق‌طلبانه از دستگاه بی‌عدالت دربار و طبقه حاکمه و نخست‌وزیری هویدا را به عرض برسانم. پرونده دادخواهی درباره اثبات نسب و احقاق حق خود را که بنا بر امر مرجع تقلید شیعیان آن زمان مرحوم حضرت آیت‌الله بروجردی به جریان انداخته‌ام در تمام مراجع صلاحیت‌دار کشور نظیر اداره معاضدت قضایی شعبه اول دادگاه‌های شهرستان تهران، شعبه ۶ دادگاه استان مرکزی و شعبه هفتم دیوان عالی کشور و دادگاه‌های کرمانشاه، همدان، مازندران، وزارت دربار، کمیسیون عرایض دربار، سازمان امنیت و... سابقه طولانی دارد. ضمنا چون مرحوم آیت‌الله بروجردی به من فرمودند در نهایت سیدی شما را یاری خواهد کرد من ابتدا فکر کردم منظورشان امام جمعه سابق تهران است. پس از ملاحظه منزل و دم و دستگاه درباری و بریز و بپاش ایشان متوجه شدم او نیست و با تلفن پریروز دست گیرم شد آن سید یاری‌کننده زعیم و مرجع عالیقدر شیعیان فعلی می‌باشد. علی هذا من فاقد شناسنامه هستم به جهت اینکه وزارت دربار گفتند که شوهرش مصدقی است و اشرف پهلوی هم گفت ما این خواهر بیسواد که با لهجه صحبت می‌نماید را نمی‌توانیم شناسنامه پهلوی دهیم، ناچار تقاضا کردم شناسنامه پهلوی نمی‌خواهم با شناسنامه مادرم که سوادکوه است به من شناسنامه بدهید، آن هم پس از تشریفات اداری از دربار به وزارت دادگستری سپس به اداره ثبت احوال ارسال کردم که آنها هم اظهار داشتند باید یک مقام صلاحیت دار دستور بدهد». در بخش پایانی از این نامه آمده است: «به علت پیگیری ۲۰ ساله نه تنها چیزی دست مرا نگرفت بلکه بیش از ۴۰ هزار تومان قرض و از دست دادن درآمد روزانه شوهرم نصیبم گردید و فقط نزدیک به ۷۰۰ متر زمین از ارثیه مادری که در مازندران است. بنابراین پس از تحقیق کافی از ادارات فوق و محل‌های سکونت من استدعای رسیدگی و احضارم را می‌نمایم تا با مدارک موجود بتوان حق مظلومی را از ظالمان اخذ و ضمنا به وصیت مرحوم آیت‌الله بروجردی نیز عمل شود».

نامه
دختر رضاخان
به امام خمینی

من درحال‌حاضر شناسنامه ندارم، زیرا وزارت دربار گفته بود شوهرم مصدقی است و اشرف پهلوی هم گفته بود ما خواهر بی سواد نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم به‌او شناسنامه بدهیم

پیشگاه زعیم و سیدعالیقدر و مرجع شیعیان جهان آقای آیت‌الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی

اینجانب صدیقه دختر رضاخان (رضاشاه سابق) و زهرا سوادکوهی میباشیکه

چون مرحوم آیت‌الله بروجردی به من فرمودند در نهایت سیدی شما را یاری خواهد کرد من ابتدا فکر کردم منظورشان امام جمعه سابق تهران است پس از ملاحظه منزل دم و دستگاه‌درباری

@vatanemrooz

درشبکه‌های اجتماعی